



•شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ •شماره ۱۱۰۸

حدیث روز

امام حسن عسکری (ع): هر که در مصرف آب (وضو و غسل) زیاده روی کند، مانند کسی است که وضو و غسل خود را باطل کند.

تحفالعقول

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه: یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

امید

قطب نمای زندگی است

حجت الاسلام دکتر رفیعی می فرمایند:

«یکی از اهداف مهم انبیای الهی و ائمه امید دادن به مردم جلوگیری از یأس و ناامیدی است. شما در دعای کمیل می خوانید «خدایا رحم کن بن کسی که سرمایه‌ای جز امید ندارد» امید قطب‌نمای حرکت کشتی زندگی است، امید برج مراقبت کنترل فرود و صعود انسان در زندگی است. نقطه مقابلش یأس و ناامیدی، عامل سقوط و شکست و لطمه است. البته من با امید کاذب هم مخالفم. متأسفانه بعضی‌ها به اسم امید دادن، اباحی‌گری ایجاد می کنند، چوب حراج می زنند به بهشت و جهنم را کانه هیچ می‌پندارند. ماحق نداریم به اسم امید دادن، چوب حراج به دین بز نیم که طرف فکر کند معیشتش را بکند و یک «با حسین (ع)» هم تمام. نه!»

برگرفته از سخنرانی وبسایت تبارک

داستانک

بزم موشانه

دو موش خانگی و صحرایی با هم دوست بودند. روزی موش خانگی، موش صحرایی را به خانه اش دعوت کرد. سفره پهن شد و غذای شایسته و بایسته گذاشت و ضیافتی شاهانه و بی عیب و نقص برپا شد. موش خانگی با نزاکت از مهمان خویش پذیرایی می کرد. بین عیش و نوش شان، گریه ای وارد شد و آن همه آسایش و لذت را به هم زد. بی محابا میزبان گریخت و مهمان از پی اش.

پس از لختی هر دو موش باز گشتند. میزبان گفت: «باقی مانده کباب را بخوریم». موش صحرایی گفت: «اکنون سیر شدیم. فردا بیا به خانه من، شاید چنین خانه و بزم شاهانه‌ای نداشته باشیم ولی آن چه دارم آسودگی خیال است. پس بدرود!»

نویسنده:ژان دولافوتتن مترجم:ملیحه صمدی

قرار مدار



اندکی صبر

قطره قطره

نازی صالحی

آب نمی خورَد چشم از این عشق میان سکوت سر د نگاه تو می سوزم بی صدا و قطره قطره ...آب

دنیا به روایت تصویر



رویترز| کشاورزی در میان زمین خشک شده اش بر اثر خشکسالی و گرمای بی سابقه، استرالیا

فتو ترانه



دیزالو

بروید کنار بتادینی نشوید!



محمد علی محمد پور اطنز پرداز

هر چه می گذر د خلاقیت در سریال های تلویزیون بیشتر و بیشتر می شود. این روز ها با چیز هایی که از سریال های تلویزیون می بینیم به نظرم کم کم می توانیم ادعا کنیم تلویزیون مرز های خلاقیت را در نور دیده و حالا حالا ها مانده که دنیا به این همه خلاقیت ما در سریال ها بر سد. مثلا شما ببینید به تازگی در یکی از سریال ها بازیگر نشسته جلوی دوربین و از روی جوراب زخم خودش را بتادین مالیده است. حالا ما نفهمیدیم جوراب زخم شده بود یا؟ اما به هر حال چیزی از ارزش های این خلاقیت کم نمی شود. حالا در همین صحنه اگر یک کارگردان خلاقیت لازم را نمی داشت این صحنه را جور دیگری می گرفت. مثلا بازیگر با جوراب راه می رفت و از کنار هر کس رد می شد می گفت بروید کنار، بروید کنار که بتادینی نشوید، من پایمر ا بتادین زده ام. یا شما فکر کنید ممکن بود یک کارگردان این صحنه را این طور بگیرد که بازیگر دو تا دستش و کلاهش را با بتادین توی جوراب می کرد و ما می فهمیدیم دار د به پایش بتادین می زن د. اما موضوع این است که قطعاً این خلاقیتی را که مادر این مورد شاهد بودیم به همراه نداشته.

اما مسئله دیگری که در این هفته حسایی سرو صدا به پا کرد کلیپی بود که آقای منوچهر هادی و دوستان منتشر کر دند. در این کلیپ عوامل سریال «پاهای بی قرار» واقعا طنز را معنا کردند. آن ها در کلیپی با چهره های غمگین و با آهنگ «سلام آخر» خواهه امیری ادای وضع اقتصادی خراب ها را در آور دند که واقعا ما باور مان شد چقدر حال این عزیزان بد است. فقط کاش ما مردم تحت فشار اقتصادی هم می توانستیم نقش بازیگران پولدار را در ببایوریم، اما افسوس که امکاناتش را نداریم و ما همین نقش خودمان را در دست بازی کنیم خیلی هنر کرده ایم. اما منتشر کنندگان این کلیپ وقتی با اعتراض مردم مواجه شدند که شما با این کار بیشتر دارید مسخره می کنید تا همدردی، گفتند شما طنز را اشتباه می فهمید و این اتفاقا طنز خیلی تاثیر گذاری است. به هر حال امیدواریم که ما هم روزی بتوانیم به ارزش های این گونه نادر از طنز پی ببریم. خبر آخر هم این که به تازگی خواهران منصوریان برای یک مصاحبه ر ادیویی به صدا و سیما رفته بودند که گویا مسئولان به خاطر آن چه پوشش نامناسب گفته شده از حضور شان جلوگیری کردند. البته مدیران این ادعا را تکذیب کرده اند ولی خانم منصوریان از خودش کلیپی منتشر کرد و نشان داد که پوشش اش نامناسب نبوده است. منتها به نظر ما مسئولان رادیو این دیالوگ را سر لوحه کار شان قرار داده اند که: «ممکن است مخاطبان رادیو در باره پوشش مهمان های برنامه چیزی ندانند، اما ما که می دانیم پوشش مناسب نیست!»

بریده کتاب

اندازه ذهن انسان

اما نمی دانم ذهن انسان چه ظرفیت عجیب و غریبی دارد که می تواند در کوتاه ترین لحظات تابی نهایت تصویر و کلمه و یاد را در خود او ببیند و بشنود و هر گاه این لحظات به اندازه سکوت آدمی بی گسست باشد دیگر به واقع حد و اندازه ای برای شان متصور نیست.

برگرفته از «سلوک» اثر محمود دولت آبادی

دیدنی ها

جاده های شگفت انگیز

در این فصل سال که در اوج مسافرت های جاده ای هستیم، بد نیست چند جاده شگفت انگیز در دیگر کشورهای جهان را با هم ببینیم تا متوجه شویم خود جاده و مسیر هم می تواند یکی از زیبایی های سفر باشد، به شرطی که با احتیاط برانیم.



گاردین| دست فروش ویتنامی

تاپخند

- شما یک دونه بیسکویت ساقه طلایی رو بذار زیر میکروسکوپ، می بینی تک تک ذراتش حلقشون رو باز کردن و میگن آب آب!
- بابا هیچ وقت نرید علایم مریضی تون رو سرچ کنید. از نظر گوگل همه مون نفس های آخر مونه!
- گوشت رو از فریزر در آور دم و دانش آشپزیم در همین مرحله به پایان رسید. با گوشته نشستیم و زل زدیم به هم!
- تایستون، فصل تفریح ریج کپدز، ما عرق سوز می شیم فقط!
- غمگینم، مثل خواننده ای که با دیدن آلبوم بهار ه رهنمایه جون از جوناش کم می شه!

دور دنیا

فناوری جدید تولید آب از هوای کویر



بیزینس اینسایدر– کمبود آب در بیشتر نقاط جهان شرایط دشوار ایجاد کرده است، اما امروزه دانشمندان دانشگاه برکلی کالیفرنیا به روشی دست پیدا کرده اند که می تواند بی آبی را از بین ببرد. این سیستم بدون نیاز به برق، تنها با نور خورشید و به طور مداوم با استفاده از یک ترکیب ارگانیک، مولکول های آب حتی در طوئت های خیلی پایین را به دام انداخته و با بالا رفتن دما، مولکول های آب به درون محفظه ای وارد می شوند. این آزمایش نشان می دهد که آب جمع آوری شده تمیز و به سرعت قابل نوشیدن است که یک پیشرفت حیرت انگیز در زمینه رفع بی آبی است.

کتاب های سمی در کتابخانه دانشگاه



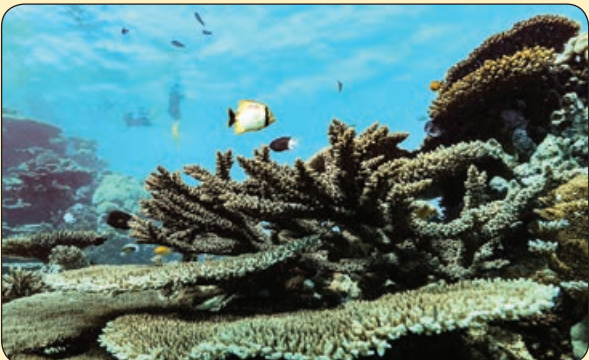
المی – متصدیان کتابخانه ای در دانمارک هنگام بررسی روی نسخه های خطی سه کتاب قدیمی قرن ۱۶ و ۱۷ متوجه خطر آن ها شدند. جلد این کتاب ها با آرسنیک پوشیده شده بود! در قرن نوزدهم آرسنیک به عنوان ماده ای سمی شناخته می شد اما کار بردهای زیاد دیگری هم داشت. مثلاً برای استفاده در رنگ تمبر ها و بالا بردن ماندگاری رنگ سبز و محافظت در برابر حشرات و کرم ها از آن استفاده می شد. امروزه تعداد انگشت شماری از این کتاب ها باقی مانده که در شرایط ویژه ای نگهداری می شوند و برای دسترسی ایمن مردم به آن ها، نسخه دیجیتالی آن ها تهیه شده است.

قاب جهان

فال مرغ عشق در ایتالیا



گرچه گرفتن فال حافظ فقط در ایران و شاید چند کشور پارسی زبان دیده شود، اما گرفتن فال با پرند، مخصوص ایران نیست. شاید جالب باشد بدانید که در شهر «میلان» ایتالیا هم از پرند برای گرفتن فال استفاده می شود! دکتر ناصر مکارم، استاد دانشگاه اسکانلند



یاهو| دنیای زیبای زیر آب

تفال

حافظ که ساز مطرب عشاق ساز کرد

خالی میاد عرصه این بزمگاه از او

آیا در این خیال که دارد گدای شهر

روزی بود که یاد کند پادشاه از او

دی روزنامه

آفت های سربازی رقتن دختران



علیرضا کاردار اطنز پرداز

خبری منتشر شد که خوشبختانه بلافاصله تعدیل و تفهیم و تکذیب شد. آن هم موضوع مطرح شدن سربازی دختران در کمیسیون حقوقی قضایی مجلس بود. هر چند در همان چند ساعتی که هنوز مسئولان حواس شان به مسائل اقتصادی بود و نتوانستند قضیه را شفاف سازی کنند، کاری که نباید می شد، شد و انواع شوخی ها و جوک ها و نقدها به این جوک ها و جوابیه ها به این نقدها و... در شبکه های مجازی منتشر شد و کار از کار گذشت. ما برخلاف بسیاری از این شوخی ها، اصلاً از این خبر استقبال نکردیم. بلکه از مطرح شدن چنین طرحی بیشتر ناراحت شدیم. هر چند هنوز نه به بار است و نه به دار، ولی دلایل مخالفت خود را با این طرح اعلام می کنیم.

اول این که اگر دختر خانم ها هم سربازی بروند، دیگر چطور پسر هایی که سربازی رفته اند می توانند جلوی آن ها خالی ببندند؟ الان یکی از بحث های همیشگی و ثابت دور می ها، خاطرات سربازی است که اگر دختران هم به سربازی بروند، مطمئناً نه فرصتی برای خاطره تعریف کردن پسر ها می ماند و نه پسران می توانند خیلی راحت از زدن توی گوش فرمانده و اضافه خدمت خوردن به خاطر فرار از بالای سیم خاردار یادگان و بازداشت شدن به دلیل چرت زدن در بر جک نگهدانی و... داستان بسازند! تازه معلوم می شود که سربازی آن قدر ها هم سخت نیست و غذاهای پادگان آن قدر ها هم مزخرف نیستند و همیشه سربازان مشغول سینه خیز رفتن دور میدان صبحگاه و بشین پاشو و پامرغی و قدم آهسته نیستند و شستن توالت و جارو کردن محوطه و آنکادر کردن تختخواب هم کار های دیگری است که پسر ها معمولاً در خاطرات شان چیزی از شان نمی گویند!

همچنین اگر دختر خانم ها به خدمت سربازی بروند، ممکن است روش های پیچاندنی را که پسران برای فرار از مسئولیت یاد گرفته اند هم بیاموزند و این خودش یک فاجعه است و دیگر نمی شود جلوی شان خالی بست و فیلم بازی کرد! از همه مهم تر، بعد از سربازی رقتن دختران، حتماً متوجه خواهند شد که نامزد های شان وقتی تعریف می کنند روز و شب به یاد شان هستند و در فراق شان اشک چشم شان خشک نمی شود و یک قورت آب خوش از گلویشان پایین نمی رود، تا چه حد در دست است و خواهند دید که سرباز ها اگر دو دقیقه هم وقت خالی گیر بیاروند تر جیح می دهند یک چرتی بزنند تا کم خوابی هایشان را جبران کنند، یا دور هم جمع بشوند و بگویند و بخندند و طبیعتاً نامزد که هیچ، حتی پدر و مادر هم جایشان امن است و غصه خوردن برای دوری از شان معنی ندارد!

سوتی سرا

سحری



تصویر سازی: سعید مرادی

اسم من سحره و تو خونه «سحری» صدام می کنن. خیلی بچه بودم و هیچی از روزه گرفتن نمی دونستم. یک شب ماه رمضان زود خوابیده بودم که شنیدم مامان و بابام دارن صحبت می کنن و می گن کی بلند بشن تا سحری رو بخورن؟!

هیچی دیگه اون قدر گریه کردم که مامان و بابام دارن نقشه می کشن من رو بخورن... تا اومدن بالای سرم ببینن چمه! منم می ترسیدم از شون، گفتم خودم شنیدم می خواستین من رو بخورین. اول اون قدر خندیدن که نمی تونستن توضیح بدن قضیه چیه. وقتی هم برام توضیح دادن، باز قانع نشده بودم و تا یه مدت می ترسیدم از شون! هنوز که هنوز ه سحر ماه رمضان یاد این خاطره می افتم.

ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام بفرستید.

- * خبری از رادیو الان، ترسانک و داستانک نیست. روزنامه رو به عشق زندگی سلام می خرم.
- * دادلی، قوچان
- * آق کمال؛ رتبه شما در کنکور چند شد؟!
- * آق کمال: درست یادم نیست ولی مدثم به قیمت الان خیلی مُشد!
- * آقای خوشحال؛ اگر شما نگرانید ما گریانیم!
- * هرسال پانزدهم مرداد شکرگزار خداوندکم که بزرگ
- * خبیری از رادیو الان، ترسانک و داستانک نیست. روزنامه رو به عشق زندگی سلام می خرم.
- * برای اولین بار از زبان شما شنیدم که تیتِر زدید «چالش زنان قانع با مردان و لخرج»! ما تا دیروز عکس آن را می دیدیم!
- * سر چهارراه زندگی، پدر همانند چراغ خطر می ماند که بچه ها را هدایت می کند به راه خود!
- سعیداندریان